کشف طلا درون تشک

کارگر بیکار، طلاهای کشف شده در تشک تختخوابی را که خریده بود به صاحبش بازگرداند.

مجید باقری‌زاده، ساکن شهر وراوی به سمساری‌ای در شهر لامرد رفت و تشکی خرید و به خانه‌اش برد. او پس از باز کردن پلاستیک و روکش آن متوجه شد مقداری طلا در یک پلاستیک مشکی رنگ، درون جعبه در تشک قرار دارد. او با سمساری تماس گرفت و شماره تلفن صاحب قبلی تشک را گرفت و بعد از گفت‌وگو با وی معلوم شد طلاها مال او بوده و فراموش کرده آن را بردارد، بنابراین گردنبند، انگشتر و گوشواره طلا که ده تا ۱۲ میلیون تومان ارزش داشت را به صاحبش بازگرداند.

باقری‌زاده که پیشه کارگری دارد در حالی به این اقدام خداپسندانه دست می‌زند که حالا چهار ماهی می‌شود بیکار است و پیش از این در پروژه ساخت کارخانه آلومینیوم مشغول به کارگری بوده است.

مرد جوان و همدستش بعد از قتل، جسد زن جوان را به آتش کشیدند

نوعروس قربانی افشای ارتباط شیطانی

تازه‌داماد قناد برای ازدواج با زن دیگری، سناریوی قتل هولناك همسرش را اجرا کرد. او و زن مورد علاقه‌اش بعد از این جنایت، برای پنهان ماندن راز قتل، جسد را در دو کیلومتری کردان هشتگرد به آتش کشیدند.

به گزارش جام جم، عصر بیست و یکم آبان امسال زنی با حضور در اداره جرایم جنایی پلیس آگاهی استان البرز با طرح شکایتی اعلام کرد دختر ۲۳ ساله‌اش برای رفتن به دانشگاه پیام نور، خانه‌شان را در محله خرمدشت ترك کرده و ناپدید شده و حتی شوهرش هم از او خبری ندارد. این زن به ماموران گفت: دخترم زمستان سال گذشته با پسر ۲۷ ساله یکی از اقوام که قنادی دارد، عقد کرد و قرار بود بزودی به خانه بخت بروند. دخترم دانشجوی کارشناسی صنایع غذایی دانشگاه پیام نور بود. قرار بود بعد از دانشگاه به ملاقات شوهرش برود که به آنجا نرفت و تلفن همراهش خاموش است. سراغ دوستانش رفتم که از او خبری نداشتند. برای یافتن او به دانشگاهش رفتیم که مشخص شد به آنجا نرفته است. دخترم هنگام ترك خانه به من گفت اگر برنگشتم بدانید که شوهرم بلایی سرم آورده است. با تشکیل پرونده قضایی در شعبه ۱۳ دادسرای جنایی کرج با دستور بازپرس حسن علایی اصل‌ثمرین تحقیقات پلیسی برای رازگشایی از این ماجرا به سرپرستی سرهنگ خدادادیان و سروان فرامرزی در اداره جرایم جنایی پلیس آگاهی استان البرز آغاز شد.

در ادامه داماد ۲۷ ساله به پلیس آگاهی احضار شد و به افسر تحقیق گفت: من و همسرم اختلاف داشتیم اما جدی نبود. قرار بود بعد از دانشگاه نزد من بیاید اما نیامد و در تماس خانواده‌اش متوجه ناپدید شدن او شدم.

در جریان تحقیقات، هفته گذشته ماموران باخبر شدند که پلیس هشتگرد جسد سوخته زن مجهول‌الهویه‌ای را ظهر بیست و یکم آبان در دو کیلومتری کردان یافته و به پزشکی قانونی منتقل کرده و هویت او نامشخص است. با احتمال این‌که جسد متعلق به زن گمشده باشد، ماموران و خانواده وی در پزشکی قانونی حاضر شدند که معلوم شد او همان نوعروس گمشده است. شواهد نشان می‌داد وی ابتدا خفه شده و بعد جسدش به آتش کشیده شده است. شوهر مقتول به عنوان تنها مظنون این جنایت، بازداشت شد.

بازپرس جنایی تحقیقات دوباره را از متهم آغاز کرد اما او همچنان منکر این جنایت بود اما دلایل موجود در پرونده مانند اختلاف این زوج باعث شد با دستور قضایی بازداشت شود.

مقتول

اعتراف به جنایت

مرد قناد دوباره مورد بازجویی قرار گرفت و بعداز چند روز سکوت، به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت: با زنی به نام مهشید که مشتری مغازه ام بود، آشنا شدم و ارتباط پنهانی مان شکل گرفت. زمانی که همسرم متوجه ماجرا شد تصمیم به قتل او گرفتم. با مهشید نقشه را مرور کردیم. آن روز صبح زمانی که همسرم می‌خواست به دانشگاه برود او را در محله حصارك دیدم و به زور به داخل خودروی مهشید انداختم. وی را با طنابی که آورده بودم خفه کردم و بعد جسد او را به بعد از آتشگاه و نزدیکی کردان بردیم و به آتش کشیدیم.

با اعتراف های تازه داماد، مهشید نیز بازداشت شد. او به افسر تحقیق گفت: من و متهم به قتل دو سال است که با هم در ارتباط بودیم و قرار شد او همسرش را بکشد و من از شوهرم طلاق بگیرم و بعد با هم ازدواج کنیم که هردو بازداشت شدیم. آن روز من فقط راننده بودم و مرد مورد علاقه ام خودش جنایت را رقم زد.

با اعتراف متهمان برای آنها از سوی بازپرس شعبه ۱۳ دادسرای جنایی کرج قرار بازداشت موقت صادر شد و تحقیقات پلیسی برای رازگشایی دیگر ابعاد این پرونده ادامه دارد. همچنین والدین مقتول با حضور در دادسرای جنایی کرج برای داماد جنایتکار و زن خیانتکار درخواست قصاص کردند.

مهشید که به جرم همدستی با مرد قناد در قتل نوعروس بازداشت شده بود، دوباره مورد تحقیقات قضایی - پلیسی قرار گرفت و این بار اعتراف های جدیدی را مطرح کرد و گفت: آن روز که مرد مورد علاقه‌ام، همسرش را طبق نقشه‌مان به داخل خودرویم انداخت و خواست حرکت کنم، نوعروس با دیدن چهره‌ام مرا شناخت و فهمید من همان زنی هستم که عکس مرا در گوشی تلفن همراه شوهرش پیدا کرده بود. او با شناختن من فریاد زد و با ناسزا گفتن به من خواست که از زندگی‌شان بیرون بروم. در همان موقع من برای این‌که او را ساکت کنم ضربه‌هایی با دستم به او زدم اما کوتاه نمی‌آمد و فریاد می‌زد و با التماس کمك می‌خواست. همان موقع شوهرش طناب را به دور گردن نوعروس انداخت و او را خفه کرد. بعد هم جسد را داخل گونی انداخته و به آتش کشید.

با اعتراف جدید این زن، قرار شد با دستور بازپرس پرونده، او و شوهر جنایتکار قاتل نوعروس به محل جنایت منتقل شوند و در حضور ماموران صحنه جنایت را بازسازی کنند.

> مرد خیانتکار پس از افشای رابطه پنهانی‌اش با همدستی زن مورد علاقه‌اش، نوعروس خود را کشت

می‌خواستیم بعد از قتل ازدواج کنیم

متهم آرام روی صندلی نشسته است و با خونسردی صحنه جنایت را تشریح می‌کند، بی‌آن‌که احساس پشیمانی از این جنایت، در چهره و کلامش باشد. می‌گوید اگر می‌توانستم همسرم را طلاق بدهم، او را نمی‌کشتم.

از آشنایی‌ات با مهشید بگو؟

دو سال پیش او همراه شوهرش برای سفارش کیك تولد فرزندشان به قنادی‌مان آمدند. شماره‌ام را هم گرفتند تا عکس پسرشان را برای چاپ روی کیك تولد ارسال کنند. بعد از آن میان ما علاقه‌ای شکل گرفت و تلگرامی و پیامکی در ارتباط بودیم و با هم ملاقات‌هایی داشتیم. دی ماه سال گذشته که من عقد کردم ارتباطم با آن زن همچنان ادامه داشت. او از من خواست همسرم را طلاق بدهم و بعد از این‌که او از شوهرش جدا شد با هم ازدواج کنیم. طلاق در فامیل ما کار خوبی نبود و می‌ترسیدم با این کار آبروی خانواده‌ام برود، نمی‌توانستم زنم را طلاق دهم.

همسرت چطور متوجه رابطه شما شد؟

یك روز مهشید عکس جدیدی از خودش برایم تلگرام کرد که زنم متوجه شد و بر سر این عکس دعوا کردیم. مدعی شدم مهشید مشتری قنادی است و قرار بوده عکس پسرش را برایمان ارسال کند تا روی کیك تولدش چاپ کنم اما اشتباهی عکس خودش را فرستاده است. هر چه به همسرم گفتم اشتباه می‌کند حرف‌هایم را قبول نکرد. برای این‌که او متوجه ماجرا نشود، دو سیمکارتم را شکستم و گوشی‌ام را به خودش دادم و خواستم هربار که با من کار داشت به تلفن قنادی زنگ بزند.

چرا دست به جنایت زدی؟

شك همسرم هر روز بیشتر می‌شد تا این‌که من و مهشید تصمیم گرفتیم همسرم را به قتل برسانیم و بعد از جدایی او از شوهرش با هم ازدواج کنیم. طبق نقشه‌مان از همسرم خواستم با هم قرار بگذاریم وکمی حرف بزنیم. از قبل طنابی را از قنادی آورده و به مهشید دادم تا در خودروی پرایدش بگذارد. آن روز صبح همسرم سمت محله حصارك آمد تا از آنجا به دانشگاه برود. همان موقع با اشاره من مهشید با خودرویش به ما نزدیك شد. از همسرم خواستم سوار شود که ترسید و من او را به زور داخل خودرو انداختم.

بعد چه شد؟

همان موقع طنابی که داخل خودرو بود را برداشتم و دور گردن همسرم انداختم و خفه‌اش کردم. بعد از اطمینان از مرگ وی، سمت نانوایی رفتیم و سه گونی آرد خریدم. مهشید به سمت آتشگاه و نزدیکی‌های پل کردان ادامه مسیر داد. جسد را دو نفری بیرون آورده و در محلی کم تردد انداختیم.

چرا جسد را آتش زدی؟

برای این‌که هویت او فاش نشود، جسد همسرم را آتش زدم. تینری که مهشید در خودرویش داشت را برداشتم و روی جسد همسرم ریختم و آن را به آتش کشیدم. بعد پلاك و زنجیر طلای زنم را برداشتم و به عنوان هدیه به مهشید دادم. او مرا به قنادی رساند و بعد خودش رفت. زمانی که خانواده همسرم به من اطلاع دادند همسرم گمشده، برای رد گم کردن همراه آنها به کلانتری رفتیم. می‌خواستیم بعد از این‌که آب‌ها از آسیاب افتاد با مهشید ازدواج کنم که ماجرا لو رفت و بازداشت شدم.

پرونده قتل وحید مرادی بسته شد

مادر و خواهرزاده‌های مردی که در پنت‌هاوس ولنجك توسط وحید مرادی به قتل رسیده بود، با گذشت هفت ماه از جنایت و کشته شدن قاتل در زندان، از دریافت دیه خودداری کردند.

به گزارش جام جم، شامگاه ۲۶ اردیبهشت امسال وحید مرادی که سوابقی در زمینه شرارت داشت و آخرین بار با سپردن ۴۰۰ میلیون تومان وثیقه به دادگاه، از زندان آزاد شده بود به مهمانی شبانه دوستش حسین در پنت‌هاوس او در ولنجك رفت. وحید در حالی که مست بود هنگام پخش لایو اینستاگرام از حضورشان در آن مهمانی توسط حسین، با وی درگیر شد و او را با ضربه‌های چاقو کشت و دو خواهرزاده او را نیز زخمی کرد. متهم بعد از دستگیری در زندان رجایی‌شهر کرج در جریان درگیری با چند زندانی به قتل رسید.

پس از هفت ماه از قتل حسین، مادرش که تنها اولیای دم بود و دو خواهرزاده مقتول که در روز جنایت از سوی قاتل زخمی شده بودند با حضور نزد مرادی، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران گفتند چون قاتل در زندان کشته شده دیگر حاضر به دریافت دیه از خانواده او نیستند. بنابراین با انصراف آنها از دریافت دیه، پرونده این جنایت در دادسرا بسته شد.

این در حالی است که با دستگیری چند نفر در درگیری منجر به قتل وحید در زندان رجایی‌شهر کرج آنها همچنان جنایت را برگردن یکدیگر می‌اندازند و هنوز مشخص نیست ضربه کدام‌یك از آنها باعث مرگ این زندانی شده است.

شهادت ۲ مامور و سرباز پلیس طی درگیری با مخلان امنیت

دو مامور نیروی انتظامی و سرباز جوانی در سه درگیری جداگانه با مخلان امنیت به شهادت رسیدند.

به گزارش جام جم، مهدی هودیانی از سربازان هنگ مرزی میرجاوه روز سه‌شنبه هنگام پایش مرزهای شرقی کشور به شهادت رسید.

شهادت رئیس کلانتری

رئیس کلانتری ۲۰ شهرستان دزفول هم دیروز در درگیری مسلحانه با سارق مسلح به شهادت رسید. ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه پس از گزارش یك فقره سرقت در خانه‌ای در مسکن مهر زیباشهر، رئیس کلانتری ۲۰ شهرستان دزفول با حکم قضایی همراه تعدادی از نیروهای انتظامی برای دستگیری سارق به محل مورد نظر رفتند. سارق با مشاهده ماموران نیروی انتظامی اقدام به تیراندازی کرد که در این درگیری مسلحانه سروان مراد نادری، رئیس کلانتری ۲۰ شهرستان دزفول مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به علت شدت جراحات به شهادت رسید. معاون اجتماعی پلیس استان خوزستان هم در این‌باره گفت: سارق وقتی با رئیس کلانتری رو به رو شد به سمت مامور پلیس شلیك و بعد از آن یکی از بستگانش را که در محل حضور داشت، زخمی کرد. عامل شهادت مامور پلیس سپس با شلیك گلوله به زندگی خود پایان داد.

شهادت فرمانده پاسگاه

فرماندار بانه دیروز از شهادت فرمانده پاسگاه مرزی بروشکانی بانه در درگیری میان مترددان غیرمجاز و نیروهای مرزی خبر داد.

محمد فلاحی افزود: عصر روز سه‌شنبه مترددان غیرمجاز که به‌دنبال تلاش برای ورود غیرقانونی به کشور در منطقه صفر مرزی بانه بودند، با نیروهای مرزی درگیر شدند. در این درگیری ستوان سوم مصطفی عبدالملکی، فرمانده پاسگاه مرزی بروشکانی و یکی از مترددان غیرمجاز زخمی شدند، ولی فرمانده پاسگاه مرزی بروشکانی به‌دلیل شدت جراحات به شهادت رسید.

> عامل شهادت رئیس کلانتری ۲۰ دزفول با شلیك گلوله به زندگی خود پایان داد

کشتی‌گیر قاتل تسلیم شد

جوان کشتی‌گیر که بر سر جای پارك خودرو، راننده‌ای راکشته و متواری بود، زمانی که پی‌برد برادرش به خاطر شباهت به وی بازداشت شده، تسلیم پلیس شد.

به گزارش جام جم، بیست و یکم مهر امسال راننده ۳۵ ساله‌ای در پی درگیری خیابانی بر سر جای پارك، مقابل ایستگاه متروی آزادگان تهران با ضربه چاقو زخمی شد و در بیمارستان فوت کرد. بعد از یك ماه پسر جوانی که شاهدان مشخصات او را به پلیس داده بودند در خانه‌ای در محله یافت‌آباد بازداشت شد. او مدعی بود که قاتل نیست و به خاطر شباهتش به برادرش که جنایت را انجام داده اشتباهی بازداشت شده است. این در حالی بود که ششم آذر امسال قاتل فراری متوجه دستگیری برادرش شد و خود را به پلیس تهران تسلیم کرد. دو برادر روز چهارشنبه برای ادامه تحقیقات به شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شدند. برادر بزرگ‌تر به بازپرس سجاد منافی‌آذر گفت: من فقط به خاطر شباهتم به برادر کوچك‌ترم که این جنایت را انجام داد، بازداشت شدم و در قتل نقشی نداشتم.

در ادامه محمد - متهم به قتل - به بازپرس پرونده گفت: هشت سال است که در رشته کشتی آزاد فعالیت دارم و چند بار در مسابقات قهرمانی رتبه‌های دوم و سوم را کسب کردم. خودم را برای شرکت در مسابقات انتخابی کشوری در رشته کشتی آزاد آماده می‌کردم که این جنایت رخ داد و زندگی‌ام عوض شد. روز حادثه بعد از پایان کارم سوار خودرو شدم تا به دندانپزشکی بروم که ابتدا در خیابان به طور سطحی با مینی‌بوسی تصادف کردم و در ادامه در نزدیکی محوطه متروی ایستگاه آزادگان با راننده خودروی پژو ۴۰۵ که بد رانندگی می‌کرد و سد راه بود دعوایم شد. او چاقو داشت و به من حمله کرد. چند راننده دیگر نیز به حمایت او وارد دعوا شدند.

متهم به قتل ادامه داد: مقتول که راننده خودروی تیبا بود آمد و با چوبی که در دست داشت، وارد دعوا شد. چاقوی راننده پژو افتاد و آن را برداشتم تا آنها را بترسانم که نفهمیدم چطور با آن چاقو ضربه‌ای به سینه مقتول زده شد. ترسیدم و با سوار شدن به خودرو فرار کرده و به خانه‌مان رفتم. ماجرا را به برادر بزرگ‌ترم گفتم و او رفت از وضع مرد زخمی خبر بیاورد. از ترس، مدارك شناسایی، پول و کیسه خواب برداشتم و زمانی که برادرم از بیمارستان خبر داد راننده فوت شده سوار اتوبوس شده و به شهر قم رفتم. عذاب وجدان داشتم، در بوستان‌ها و خیابان‌ها می‌خوابیدم. وقتی فهمیدم برادرم به خاطر شباهتش به من اشتباه بازداشت شده، خود را به پلیس تسلیم کردم.

تلنگر

مرگ ۴ نفر در تصادف با قطار

تصادف قطار با خودروی سواری ۲۰۶ منجر به مرگ چهار سرنشین این خودرو شد.

مجتبی خالدی، سخنگوی سازمان اورژانس تهران به میزان گفت: ساعت ۲۲ و ۴۴ دقیقه سه‌شنبه تصادف قطار تبریز - تهران با خودروی پژو ۲۰۶ در تبریز، روستای شیخ حسن و مصدومیت چهار نفر به اورژانس گزارش شد. امدادگران در آنجا حاضر شدند و معلوم شد مصدومان براثر این تصادف کشته شده‌اند.

تصادف مرگبار دختر و پسر دانشجو در مسیر کنسرت

دختر و پسر دانشجو زمانی که برای تماشای کنسرت محسن ابراهیم‌زاده به سالن فجر نمایشگاه بین‌المللی سمنان می‌رفتند تصادف کرده و کشته شدند. راننده بعد از این تصادف مرگبار فرار کرد و پلیس در تعقیب اوست.

مهدیان، مدیر روابط عمومی دانشگاه سمنان به ایسنا گفت: ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه سه‌شنبه یک دانشجوی دختر و یک دانشجوی پسر دانشکده عمران دانشگاه سمنان در مسیر به سوی سالن فجر نمایشگاه بین‌المللی سمنان و کنسرت شبانه یکی از خوانندگان پاپ بودند که تصادف کردند. با گزارش این تصادف به اورژانس امدادگران در آنجا حاضر شدند. آن دو در بیمارستان کوثر بستری شدند، اما ساعت ۳ بامداد چهارشنبه به‌دلیل شدت صدمات فوت کردند. راننده خاطی هم تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

همچنین سرهنگ تقی کبیری، رئیس پلیس راه سمنان نیز گفت: دانشجوی دختر ۲۱ ساله اهل اصفهان و دانشجوی پسر ۲۰ ساله اهل تهران بودند که به علت تصادف با خودروی سواری در کیلومتر یک جاده سمنان - دامغان محدوده دانشگاه سمنان فوت کردند. براساس نظر کارشناسان پلیس راه، بی‌توجهی راننده به جلو علت احتمالی این تصادف مرگبار بوده است.

رهایی دانش‌آموز ربوده شده از اسارتگاه آدم‌رباها

پسر ده ساله در نورآباد ممسنی که از سوی آدم‌ربایان مسلح ربوده شده بود، پس از ۱۷ روز نجات یافت.

به گزارش ایرنا، شش دانش‌آموز مدرسه‌ای ۲۱ آبان سوار بر خودروی پراید سرویس مدرسه بودند که در یکی از خیابان‌های شهر نورآباد مرکز شهرستان ممسنی، خودرویی مقابل سرویس مدرسه آنها پیچید و آن را متوقف کرد. مهاجمان با پاشیدن اسپری فلفل به صورت راننده سرویس، خودروی پراید را با دانش‌آموزان ربودند.

رابایندگان، سرویس مدرسه را با شش دانش‌آموز به منطقه‌ای خلوت‌تر منتقل کردند و در آن محل از دانش‌آموزان اسم و مشخصات آنها را جویا شدند و سرانجام پنج کودك دیگر را آزاد و خودروی پراید را رها کردند؛ اما یکی از پسران دانش‌آموز را که ده ساله بود با خود بردند. پلیس در جست‌وجوی متهمان و نجات گروگان خردسال بود که پس از ۱۷ روز از این ماجرا روز سه‌شنبه گروگان آزاد شد و پلیس در جست‌وجوی آدم‌رباهای فراری است.

رضا امیری، رئیس آموزش و پرورش شهرستان ممسنی گفت: حال این دانش‌آموز خوب است.

یکی از مسؤولان شهرستان ممسنی که خواست نامش فاش نشود در این باره گفت: این گروگانگیری که در پی معامله و اختلاف مالی به مبلغ ۲۸۰ میلیون تومان بود با پیگیری خانواده این پسر خردسال به پایان رسید و این کودك با نظارت نامحسوس دستگاه‌های امنیتی در چابهار که محل اختفای این کودك بود نجات یافت و تحویل خانواده‌اش شد.

وی افزود: به دلیل احتمال بروز ضربه‌های روحی و روانی در آینده به این کودك هماهنگی‌های لازم برای تحت کنترل بودن آن به لحاظ روان‌شناسی انجام شده است. همه عوامل این آدم‌ربایی در شهرستان ممسنی و چابهار شناسایی شده‌اند. بر اساس شواهد، این آدم‌ربایی به خاطر معامله مواد مخدر عموی این دانش‌آموز و اختلافات مالی با قاچاقچیانی که ساکن استان سیستان و بلوچستان هستند رخ داده و هویت گروگانگیران نیز شناسایی شده است.